

عبارت‌های وقف

عبارت‌های وقف

س ۲۰۳۰. آیا شرکت کنندگان در مجالس عزاداری و اهالی منطقه ای که حسینیه برای آنان تأسیس شده، حق دخالت در تفسیر فقرات و قفنامه را دارند؟

ج. برای فهم مفاد وقف نامه، در صورتی که اجمال یا ابهام داشته باشند، باید به شواهد و قرائن حالیه و مقالیه و یا به عرف مراجعه کرد و کسی حق ندارد آن‌ها را از طرف خودش تفسیر به رأی کند.

س ۲۰۳۱. اگر مکانی برای تعلیم و تحصیل علوم دینی وقف شده باشد، آیا با وجود طلاب مشغول به تحصیل در آن مکان، جایز است افراد عادی و مسافران از امکانات آن جا استفاده نمایند؟

ج. اگر آن مکان وقف خصوص طلاب علوم دینی و یا به منظور تدریس و تحصیل علوم دینی در آن باشد، جایز نیست دیگران از آن جا استفاده کنند.

س ۲۰۳۲. عبارت زیر در وقف نامه ای آمده است: «در صیغه وقف شرط شده که هیأتی از عموم اهالی به عنوان هیأت امناء انتخاب شود». آیا این عبارت دلالت بر تعیین انتخاب کنندگان می کند؟ و بر فرض عدم دلالت بر تعیین انتخاب کنندگان، حق انتخاب هیأت امناء با چه کسانی است؟

ج. ظاهر عبارت مذکور، لزوم مشارکت عموم اهالی در انتخاب هیأت امناء می باشد. به هر حال، اگر واقف در وقفش انتخاب کننده یا انتخاب کنندگان هیأت امناء را معین نکرده باشد، در صورتی که وقف متولّی خاصی داشته باشد، انتخاب هیأت امناء با اوست و در صورتی که چند متولّی خاص داشته باشد که با هم اختلاف نظر داشته باشند یا اصلاً از طرف واقف متولّی تعیین نشده باشد، باید در این مسأله به حاکم شرع رجوع شود.

س ۲۰۳۳. اگر وصف «ارشد و اصلاح» در تولیت فرزند ذکوری که از جهت سنی در بین موقوف علیهم از همه بزرگتر است، شرط باشد، آیا اثبات رشد و صالح بودن هم واجب است یا این که مجرد بزرگتر بودن او از جهت سنی باعث می شود که اصل بر اصلاح و ارشد بودن او گذاشته شود؟

ج. باید همه شروط تصدّی تولیت احراز شود.

س ۲۰۳۴. شخصی املاک خود را برای مجالس عزاداری حضرت اباعبدالله الحسین (ع) در ایام محرم و غیر آن وقف کرده است و بعد از خودش فرزندان خود را تا ابد، متولّی آن قرار داده و ثلث منافع املاک را هم برای متولّی قرار داده است، اگر در زمانی واقف، اولاد مذکر و مؤنث از طبقه اوّل و دوّم و سوّم داشته باشد، آیا تولیت وقف برای همه آنان به طور مشترک است و حق تولیت بین آنان تقسیم می شود؟ و بر فرض تقسیم بین همه آنان، آیا بین فرزندان مذکر و مؤنث به طور مساوی تقسیم می شود یا با تفاوت؟

ج. اگر قرینه ای که دلالت بر ترتیب بر حسب طبقات ارث و تقدیم نسل سابق بر لاحق بکند، وجود نداشته باشد، همه طبقات موجود در هر زمانی به طور مشترک و مساوی متولّی وقف هستند و حق تولیت بدون آن که تفاوتی بین مذکر و مؤنث باشد، به طور مساوی بین آنان تقسیم می شود.

س ۲۰۳۵. اگر واقف، تولیت وقف را بعد از خودش برای مطلق علما و مجتهدین قرار دهد، آیا یکی از علمایی که مجتهد نیست حق دارد امور تولیت را در اختیار بگیرد؟

ج. تا زمانی که احراز نشود که مقصود واقف از علما خصوص مجتهدین است، تولیت وقف توسط عالم دینی اشکال ندارد هرچند حائز رتبه اجتهاد نباشد.